

## تکثیر آمیبی یزیدها و تکرار کربلا

**اول:** مطالب این شماره را که جمع‌آوری می‌کردیم؛ لحظه لحظه‌اش برایمان صفا داشت. گویا در هیئت نشسته بودیم و برای آقا بر سینه می‌زدیم و می‌گریستیم. آن قدر کار برایمان لذت‌بخش بود که ساعت‌هایش به ثانیه گذشت و هفته‌هایش به روز، می‌دانستیم که نشریه را در نخستین روزهای سال، به دستمان می‌رسانیم، روزهایی که با سخت‌ترین مصیبت اهل بیت علیهم‌السلام، یعنی مصیبت شام، در هم می‌تند. اربعین برای همه، داغ عاشورا را زنده می‌کند، داغی که تا ابد بر سینه اهل عاشورا خواهد ماند. سال ۸۵ را در حالی آغاز می‌کنیم که وجودمان را به آشک برای آقا شستشو می‌دهیم، بی‌شک چنین سالی برای امت اسلام، مبارک خواهد بود، چرا که روز نو و سال جدید به نام سید عشاق و عارفان و شهیدان عالم، متبرک می‌شود، به نام نامی «حسین علیه‌السلام».

**دوم:** آمیب‌ها را از پشت میکرو و سکوپ‌ها دیده‌اید یا نه؟ نمی‌دانم؛ اما تکثیر و تولیدشان، به شیوه‌ای است که تا از میان، به دو نیم شوند، هر نیمه آمیب جدیدی می‌شود. تکثیر باطل و اهل آن، به همان شکل است، که آمیب‌ها تکثیر می‌شوند. در هر زمان و مکان، این تکثیر امکان افزایش جمعیت باطل را بیشتر می‌کند. این امکان در صورت قلت و کاهش صحابی حق و ضعیف شدن توان اهل حقیقت است. به موازات پایین آمدن توان جبهه حق و کاهش جمعیت آن، اهل باطل تکثیر تصاعدی هولناکی پیدا می‌کنند و افزایش جمعیتی که حادثه‌های دردآور و خونینی را رقم می‌زند. آنچه که تکرار کربلا را برای جامعه کنونی، نزدیک‌تر می‌کند، تکثیر آمیبی یزیدهاست. به راستی مادر ترویج و تکثیر حق و حقیقت چقدر کوشیده‌ایم؟ در جلوگیری از تکثیر آمیبی باطل چه؟ در کربلا باشیم یا جای دیگر، مهم نیست. مهم آن است که هر زمین را بدل از کربلا بدانیم و هر زمان را عاشورا، آن وقت است که کربلا را می‌گسترانیم و عطرش را به همه آسمان‌ها می‌افشانیم. «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» رمز پیروزی در جهاد اصغر است و اینک زمانه جهاد اکبر است و جز آن رمز، راز دیگری نیز می‌طلبد و آن این که «کل لیل لیل القدر و کل ارض حرم الله» این همان رمز پیروزی جهاد اکبر است. رمزی که به واسطه آن در زمره اهالی خاکیز حق قرار گیریم و «حیات قرآنی» را به دست آوریم حیاتی که به لحظه‌ای از حکومت هزار ماهه شوم و شیطانی اموی مسلکان، بی‌آزد.

**سوم:** این روزها که می‌آیند و می‌روند، دیگر بر عاشوراییان آشکار شده است، که حقیقت عاشورا چیست و تا چه اندازه حکومت‌های زورمدار و شیطانی جهان از حضور آن بیم دارند. از حزب‌الله لبنان تا سپاهیان بدر عراق و مجاهدان افغان تا حماسه‌سازان فلسطین، رمز حقیقی عاشورا را یافته‌اند که سر بلند سرزمین‌های خود شدند. به جاست این درس عظیم را که به واسطه مبارزه و جهاد، مردان انقلاب حاصل شده، فراموش نکنیم. تکرار این درس و کشف این رمز و آرایه آن به جامعه، هنگامی است که به جامعه بفهمانیم، «چه کسی را کشتند؟» نه اینکه فقط بگوییم «چگونه کشتند؟» و این رسالت عظیمی است که بر دوش مداحان و سخنرانان و بنیان هیئت و مجالس عزای حسین علیه‌السلام است. از این دایره و مسؤولیت خطیر هر کسی به دور ماند، بدون شک به قافله «سامریان» زمانه خواهد پیوست. گوساله‌های سامری امت محمد (ص) کسانی هستند که توده‌ها را از سمت و هدف اصلی مورد نظر اهل بیت علیهم‌السلام دور می‌سازند. اگر کسی توده‌ها را از هدف اصلی سیدالشهدا علیه‌السلام - که در حقیقت عدل و هم‌تراز قرآن است - دور بسازد، به همان راه می‌رود که سامری و ابو جهل و یزید و ابن زیاد در تاریخ در آن مسیر گام نهادند؛ یعنی دور ساختن جامعه از «حیات قرآنی». احیاء کلمه حق و اجرای احکام الهی اخلاق و عقاید اسلام و در یک کلمه ترویج «حیات قرآنی» هدف اساسی و اصلی قیام حسین بن علی علیه‌السلام در قیام عاشورا است. زیبا نیست که با داشتن سرمایه با عظمت و بیدارگری چون حسین علیه‌السلام به بیان خواب و اوهام و دروغ‌های خواب‌آور بپردازیم.

**چهارم:** شاید فریادها و هشدارهای مقام معظم رهبری در این سال‌ها بارها و بارها در فضای جامعه ضنین‌انداز بوده، اما عادت کرده‌ایم که حرف‌های مهم را زود فراموش کنیم و چقدر جای تأسف دارد که نائب حسین علیه‌السلام زمان، هشدارمان می‌دهد و ما در خوابیم. خیمه عاشورا هنوز برپاست و بیرق سرخ مبارزه‌طلبی و آزادی‌خواهی او در اهتزاز؛ گوش شنوایی می‌خواهد و چشمی بینا. هر کس در این صف نیست، بنگرد در کجاست؟ در صف کوفیان، یا در سجاده ریاکارانه نماز، یا در گوشه‌های خزیده در حال تکرار اذکار و اوراد، یا در عمارت‌های وسیع و زیبای ساحل امارات یا در آرزوی بلعیدن گندم ری، یا نشسته بر سفره‌های پر طعام و رنگارنگ، یا سرگرم عیش و نوش، یا در مجلس شراب! راستی چه فرقی می‌کند در کجایی؟ وقتی در سایه‌سار ولایت نیستی!

**پنجم:** از قدیم افسانه‌ای می‌گفتند: زیبا «پرندهای خوش الحان بال و پرش را به خون حسین علیه‌السلام آغشته ساخت و از آن‌جا بر آسمان پر کشید و در همه زمین‌ها سفر کرد. در هر کجا که پری از او در آن جا افتاد، مسجد و حسین‌های ساخته شد» اگر چه می‌دانیم که افسانه است اما مثالی زیباست از این جهت که در هر کجا اگر نامی از اسلام و دین هست، از حسین علیه‌السلام است. اگر قیام و حرکت مقتدای شهیدان نبود، بدون شک یزیدیان چیزی از اسلام باقی نمی‌گذاشتند. شرایط امروز هیچ تفاوتی با آن روزها ندارد. نگاهی کوتاه به نیم قرن اخیر، گواه تسلط و تجهیز کفر و ظلم است تا کار یاران عاشورایی آخرالزمان را بکسره کنند، اما غافل از آنند که خون حسین علیه‌السلام در رگ‌های فرزند خلف او می‌جهد، فرزند خلفی که با مدیریت غیبی و پنهان، همه امور عالم را تدبیر می‌کند و منتظران ظهورش، نشستند تا فریاد کنند، در توفانی ترین هنگام‌های عالم، پیام خروشان او را که: «یا لثارات الحسین»